روزنامه شرق

پنجشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۴
۸ رمضان ۱۴۴۷
۲۶ فوریه ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۳۷
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

عبدالمجید ارفعی درگذشت

۱۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: دیدار فرستادگان زلنسکی و ترامپ در ژنو • تحلیلی بر تقابل هوش مصنوعی و جامعه ریاضی • فشار آلمان برای بازتعریف روابط با چین • از اجرای مکبث تا گرانی بلیت سینما

سرمقاله

اولویت مغفول

سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

رئیس‌جمهور محترم اظهار داشته‌اند وجود پنج هزار طرح عمرانی نیمه‌تمام در دولت (قانون بودجه) به‌هیچ‌وجه پسندیده نیست و باید با اولویت به آنها پرداخت.

این به‌راستی سخنی نغز و اندیشمندانه است و نه‌تنها در مورد طرح‌های نیمه‌تمام عمرانی، بلکه باید در تمام زمینه‌های موجود در کشور و به‌ویژه در کار دولت رعایت شود.

اما ببینیم روی سخن ایشان با چه کسی است. کمی دقت، این امر را روشن می‌کند. در جریان تدوین لایحه بودجه هر سال سازمان برنامه و بودجه نسبت به تهیه لایحه بودجه (پس از نظرخواهی از وزارتخانه‌ها، با رعایت یا عدم رعایت آنها) لایحه را تهیه و به دولت تقدیم می‌کند و از جمله موارد مذکور در این لایحه، لیست طرح‌های نیمه‌تمام است. دولت هم پس از تشریفات لازم، لایحه را تصویب و به مجلس تقدیم می‌کند.

طبعا لیست طرح‌های نیمه‌تمام، هم مصوبه دولت و هم امضای رئیس‌جمهور را ذیل صفحات خود دارد. حال معما اینجاست که تصمیم به اولویت‌دادن به طرح‌ها با چه کسی است؟ چگونه رئیس دولت از مصوبه خود روی برمی‌تابد؟ مگر کسی دیگر می‌تواند اولویت برای طرح‌های نیمه‌تمام برگزیند؟ ظاهرا روی سخن ریاست جمهور محترم با خودشان است. شاید بگوییم سال گذشته در آذرماه که فصل تدوین و تصویب لایحه بودجه بوده، تجربه چندانی وجود نداشته اما امسال با گذشت یک سال، علی‌القاعده اگر مسئولین قائل به اولویت بودند این امر عملی می‌شد. یعنی دولت اولویت‌های موضوعی را به سازمان برنامه و بودجه ابلاغ می‌کرد و آنان در لایحه مصادیق آن را می‌آوردند و آنگاه این مصادیق در دولت تصویب می‌شد. حال اگر مجلس اولویت‌ها را دگرگون می‌کرد، آنگاه بحق جای گلایه برای شخص اول اجرائی کشور باقی می‌ماند.

این اظهار نظر بهانه‌ای می‌شود برای آنکه نگاه کنیم و ببینیم آیا اصلا در دولت فعلی (مثل دولت‌های قبلی و البته جدا از دولت روحانی که اولویتش رفع تحریم‌ها بوده و کاری به دیگر کارها نداشت) موضوع اولویت تا چه حد مطرح است و دولت چگونه این اولویت‌ها را فهرست و ابلاغ و اعلام کرده است.

تحقیق و جست‌وجو برای یافتن فهرستی از اولویت‌های دولت نتیجه‌ای نمی‌دهد و در لایحه بودجه همانند قانون برنامه پنج‌ساله هفتم اولویتی دیده نمی‌شود و دولت هم درباره اجرای قانون اخیرالذکر به‌جز اظهار به نیاز به ۳۰۰ میلیارد دلار برای اجرای آن حرفی نزده است، فلذا اولویت‌های دولت را نمی‌توان کشف و ضبط کرد و ناچار عملکرد دولت را می‌توان مصداق اولویت‌بندی دانست و آن هم از حضور رئیس‌جمهور در مراسم مختلف و وقتی که برای این کار می‌گذارد معلوم می‌شود. در آنجا می‌بینیم که رئیس دولت برای همه چیز وقت می‌گذارد؛ از حضور در اردوی کشتی‌گیران و فوتسال‌بازها تا در کنار هنرمندان، صنعتگران، توان‌یابان، معلمان، دانشگاهیان و پژوهشگران بودن و سخنرانی برای آنان که گرچه مشوقی برای آنان است، در عین حال هم از شأن وزرای مربوطه می‌کاهد و هم نشان از نبود اولویت در نظام فکری دولت حاکم دارد.

البته خواهند گفت شرایط کشور ویژه است (که همیشه چنین بوده) و به قول رئیس‌جمهور، هر روز مصیبت جدیدی برای دولت پیش می‌آید. که واقعا چنین است و به همین دلیل است که رئیس‌جمهور و دولت باید در این شرایط حاد اولویت‌های خود را بشناسند. نه آنکه بخواهیم بگوییم دولت دیگر کارها را رها کند چه تشکیلات دولتی و وزرا کار خودشان را باید انجام دهند. سخن از وقت ویژه‌ای است که دولت برای موضوعات خاص در شرایط روز کشور باید صرف کند و رئیس‌جمهور با وقت محدود روزانه به اولویت‌هایی بپردازد که وزرا به آن نمی‌توانند ورود کنند یا نیاز به پشتیبانی فوق‌العاده داشته باشند. اگر قرار است همه چیز اولویت داشته باشد و رئیس‌جمهور بخواهد دل همه را به دست آورد، آنگاه اولویت هیچ معنایی نخواهد داشت و چنین می‌شود که همه کس از رئیس‌جمهور توقع دارد در فلان مراسم شرکت کند، به افراد جایزه و یادبود و تقدیرنامه بدهد و برای آنان سخنرانی کند و آنگاه خسته از مراسم بخواهد به دیگر کارها رسیدگی کند. واقعا اولویت دولت کدام است؟ مسائل ژئوپلیتیکی که شاید بر همه چیز سایه افکنده یا شرایط عمومی زیست‌محیطی و سرزمینی یا اسراف در انرژی و ثروتی که بر باد می‌رود یا استهلاک زیرساخت‌های کشور با شرایط تربیتی نسل جوان و مسائل اجتماعی کشور. اجرای کدام‌یک از مفاد قانون هفتم پیشرفت در اولویت است؟

ادامه در صفحه ۳

«شرق» از برآوردهای دیپلماتیک، پیش از آغاز مذاکرات حساس ایران و آمریکا گزارش می‌دهد

ژنو؛ ایستگاه آخر دیپلماسی؟

مالک مصدق: قرار است تا ساعاتی دیگر دور جدید گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در ژنو و با میانجیگری عمانی‌ها برگزار شود؛ مذاکراتی که از دیدگاه بسیاری از ناظران، از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مقاطع دیپلماتیک در سال‌های اخیر به شمار می‌آید. اهمیت این دور از گفت‌وگوها از آن رو است که می‌تواند مسیر تحولات پیش‌رو را تا حد زیادی روشن کند؛ یا تهران و واشنگتن به سمت نوعی تفاهم، هرچند محدود، مرحله‌ای و موقت حرکت خواهند کرد یا فضای تقابل و تنش بیش از گذشته بر روابط دو طرف سایه خواهد افکند. با این حال، شماری از تحلیلگران بر این باورند که نباید نتیجه مذاکرات امروز ژنو را صرفا در قالب یک دوگانه ساده «توافق یا جنگ» تحلیل کرد. از نگاه آنان، امکان دارد خروجی این گفت‌وگوها، نه به توافقی فوری بینجامد و نه به تقابل مستقیم، بلکه به تمدید وضعیت شکننده کنونی، ادامه گفت‌وگوها یا شکل‌گیری مسیرهای میانی منجر شود؛ مسیری که اگرچه ابهام‌آلود است، اما همچنان می‌تواند مانعی موقت در برابر تشدید بحران و ورود به فاز پرهزینه تقابل نظامی باشد.

دراین‌باره دیروز چهارشنبه، عباس عراقچی به همراه هیئت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی ایران عازم ژنو شد. این سفر در حالی انجام گرفت که او یک روز پیش‌تر، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، چارچوب و رویکرد تهران در این مرحله از گفت‌وگوها را تبیین کرده بود. وزیر خارجه در پیامش تصریح کرد که «جمهوری اسلامی ایران براساس تفاهم‌های حاصل‌شده در دور پیشین مذاکرات، با اراده‌ای قاطع و با هدف دستیابی به توافقی عادلانه، متوازن و منصفانه، گفت‌وگوها با ایالات متحده را در ژنو از سر خواهد گرفت».

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

بررسی «شرق» نشان می‌دهد که سرعت خنثی‌شدن ارزش سوبسید پرداختی دولت‌ها شدت گرفته است

ذوب یارانه

صفحه ۴

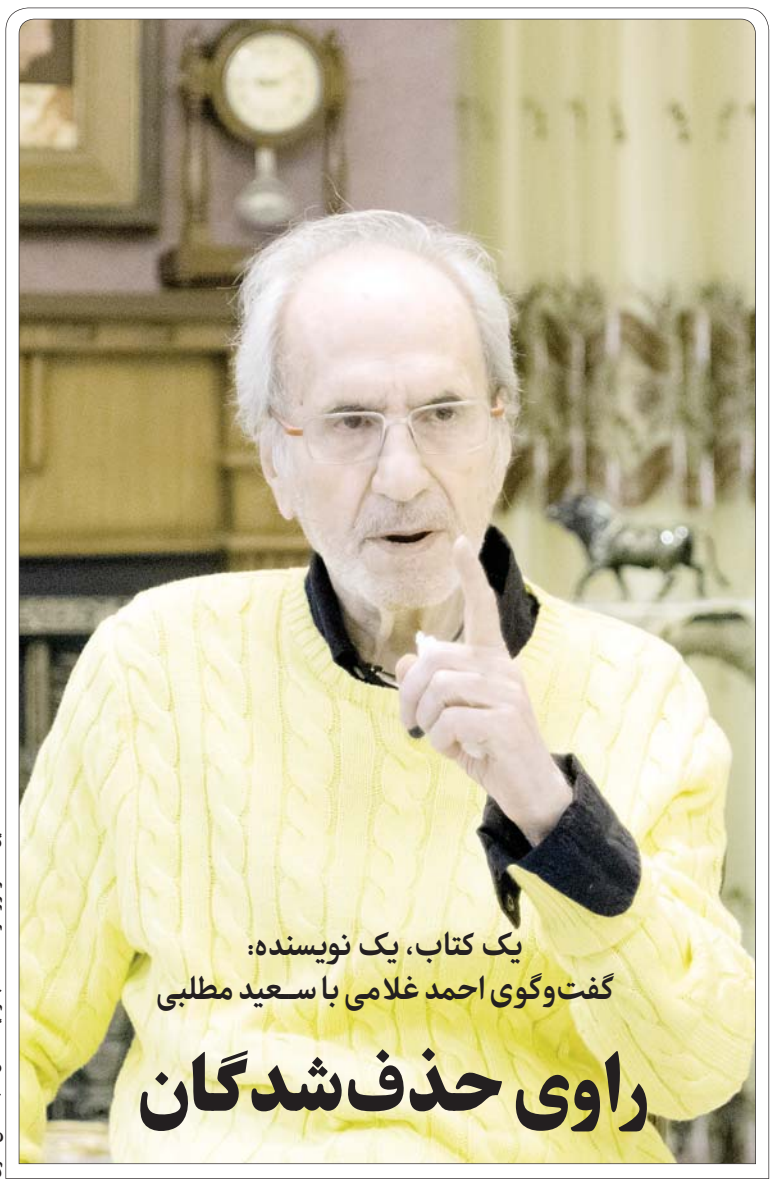

یک کتاب، یک نویسنده:
گفت‌وگوی احمد غلامی با سعید مطلبی

راوی حذف‌شدگان

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید. عکس: سهند تاکی، شرق

برگزیده‌ها

تقابل رئیس‌جمهوری آمریکا و دموکرات‌ها بر سر اقتصاد، مرزها، فساد سیستماتیک و مهاجران غیرقانونی

رویارویی ایدئولوژیک در کنگره

۵

تلاش‌های بی‌ثمر برای ممانعت از جدایی وریا غفوری از استقلال

دردسرهای محبوبیت و مردمی‌بودن

۹

بیانیه ۳۵۳ نفر از «پژوهشگران، فعالان مدنی و سیاسی و دغدغه‌مندان ایران»

نه به جنگ و تجاوز علیه ایران

۸

یادداشت

امنیت در شهر؛ بلندترکردن نرده و دیوار یا جلب اعتماد مردم؟

ترانه یلدا
معمار و شهرساز

چندوقتی بود قبل از وقایع اسف‌بار اخیر، شاهد نصب نرده‌های آهنی جدید و پیکان‌دار بر بالای نرده‌های آهنی موجود در سرتاسر خیابان‌مان در مرکز شهر بودم. از وزارت خارجه تا کتابخانه ملی و موزه علم و فناوری، از بیمارستان سینا تا موزه ایران باستان و موزه ملی و... همه جا نرده اضافی نصب می‌شد. نمی‌فهمیدم چرا همه دست به کاری می‌زنند که در دنیای امروز، با وجود دوربین‌های هوشمند و امکان کنترل تمام شهر از راه دور و از داخل اتاق‌های دربسته، ضرورتش تا حدودی منتفی است. حتی از اتاق کنترل ترافیک شهر تهران هم می‌توان تمام فضاهای عمومی شهر را کنترل کرد. اما پرسش اصلی اکنون پرداختن به شرایط و وضعیتی است که شهر در آن به امنیت نسبی پایدار برسد. در مقیاس فضاهای عمومی، امنیت معمولا اغلب با سازوکارهای رسمی برقرار می‌شود: حضور پلیس، دوربین‌ها، گشت‌ها و انواع تابلوهای «توقف ممنوع»، حمل با جرثقیل و... که البته در همین موارد هم با نقصان‌های زیادی روبه‌رو هستیم. تعداد پلیس‌های راهنمایی کم است و معمولا با متخلفان موتورسوار و دیگر وسایطی روبه‌رو هستیم که پلیس دوست ندارد با آنان مواجه شود. حتی در پیاده‌روهای خیابان‌های شریانی مرکز شهر هم نمی‌توان آرام و بی‌خطر راه رفت. برعکس، در محله‌ها ما با امنیتی روبه‌رو هستیم که از درون برمی‌خیزد. خود مردم بر همدیگر نظارت می‌کنند؛ نه از سر قدرت، که از سر دلسوزی، شناخت و همدلی. حضور بی‌صدا ولی بیدار مغازه‌داران، حس تعلقی را القا می‌کند که فقط «هم‌محله‌ای‌ها» نسبت به هم دارند؛ نه از سر قدرت، که از سر دلسوزی، شناخت، همدلی و مهربانی. و همین احساس اعتماد است که محله را امن‌تر می‌کند. منظورم از این مقایسه، تفاوت قائل‌شدن بین مقیاس‌های محلی و شهری و آوردن آرامش نسبی به فضای عمومی شهری با وام‌گرفتن از اعتمادسازی عمومی بود. اگر مسئولان شهری بتوانند مثل همه جای دنیا، محیطی آرام را حتی برای اعتراضات مردمی تدارک ببینند و شهر بتواند با استفاده بیشتر از وسایط نقلیه عمومی -که اخیرا بیشتر هم شده‌اند- نفسی بکشد و با شهروندان تعاملی مثبت صورت بگیرد، بدون شک فضای عمومی به امنیتی بهتر باز خواهد گشت. مثلا اگر در همین مرکز شهر، وزارت خارجه و شهرداری، آن فضای وسیع باغ ملی با سنگفرش درجه‌یک و درخت‌کاری و باغچه‌بندی زیبا را رو به مردم و دانشجویان دانشگاه هنر بگشایند، همین میدان مشق یا باغ ملی که در قدیم ماشین و اتوبوس به آن وارد می‌شد و امروز محوطه زیبایی دارد که مشترک بین وزارت خارجه (شامل عمارت شهربانی سابق)، دانشگاه هنر و موزه ملک، سوت و کور به حال خود رها شده و تقریبا هیچ‌کس از آنجا عبور نمی‌کند، می‌تواند به یکی از گردشگاه‌های عمومی تهران تبدیل شود.

ادامه در صفحه ۱۰

هخا؛ فرونشستنِ صدایی از ژرفای تاریخ

با اندوه فراوان، درگذشت دکتر عبدالمجید ارفعی را به آگاهی می‌رسانیم. استادی که فقدانش یادآور از دست رفتن گوهری از دانشی ژرف و دیرپرور در این سرزمین است. دانشی برخاسته از سالیانِ ممارست، دقت و وقار، که خلأ آن به آسانی جبران‌پذیر نیست. مراسم وداع با پیکر ایشان روز **جمعه هشتم اسفندماه ساعت ۱۰ صبح** از مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی واقع در تهران، کاشانک، خیابان شهید باهنر و مراسم خاکسپاری آن بزرگ‌مرد ایران‌دوست روز یکشنبه دهم اسفندماه در حافظیه شیراز برگزار خواهد شد.

خانواده عبدالمجید ارفعی «هخا»